

معنای درک حضور تاریخی اصحاب امام حسین «علیه السلام» - 9

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ  
بِفِنَائِكَ

1- به گفته عباس محمود عقاد متفکر شهیر مصری در راستای درک جایگاه تاریخی که با نهضت اباعبدالله «علیه السلام» در افق آن زمان به چشم می‌خورد: «به اندیشه هیچ‌کدام از یاران امام حسین «علیه السلام» خطور نکرد که برای نجات خودشان و نجات آن حضرت، بازگشت از این حرکت را در نظر حضرت جلوه دهند و اگر می‌خواستند خود را بفریبند می‌توانستند تسلیم در برابر دشمن را در نظر آن حضرت جلوه دهند و نامش را نصیحت و خیرخواهی بگذارند و چنین وانمود کنند که اخلاص می‌ورزند و ادامه زندگی را برای حضرت آرزو دارند.»

آیا این حکایت از آن ندارد که اصحاب حضرت نیز می‌دانستند با آن شهادت، حضوری وسیع‌تر و اصیل‌تر از ماندن برایشان در عالم و در ابدیت پیش می‌آید؟ امری که شهدای ما و امام شهدا یعنی حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» نیز متوجه آن بودند و با توجه به چنین بصیرتی بود که با شهادت جوانانی که تعداد آن‌ها کم نبودند، احساس نمی‌کردند آن‌ها از دست رفتند، بلکه برعکس، متوجه بودند آن‌ها با شهادت خود حضور بیشتری در این تاریخ پیدا می‌کردند، به همان معنایی که مقام معظم رهبری فرمودند: «مهم این است که بدانیم شهدا تا هستند، جان‌شان و تن‌شان و حرکت مادی‌شان در خدمت اسلام و در خدمت جامعه اسلامی است، وقتی می‌روند، معنویت‌شان، صدای‌شان تازه بعد از رفتن بلند می‌شود. نطق شهدا

بعد از شهید شدن باز می‌شود، با مردم حرف می‌زنند.» (14 آبان‌ماه ۱۳۹۷)

### آن‌همه رنج و آن‌همه آرامش

2- راستی را! اگر درک حضور انبیای الهی و شریعتی که با خود آورده‌اند، نبود، این انسان چگونه در این دوران که گویا زندگی‌اش بیش از پیش با رنج همراه است، آن رنج‌ها برایش قابل تحمل می‌شد؟ مگر آن‌که با روحیه‌ای که همراه با پیامبران و به‌خصوص آخرین پیامبر به میان آمده، بتواند حق زندگی را ادا کند.

آری! خلاقیت و آزادی مربوط به انسان و انسانیت انسان است، البته وقتی در معنای اصیل خود حاضر شود و آن در صورتی است که در آغوش حقیقتی باشد که با حضرت اباعبدالله «علیه السلام» به ظهور آمده است، زیرا حقیقت وقتی به ظهور می‌آید که نظر به سیره انسانی خاص، به معنای حقیقت انسانیت داشته باشیم. چرا که درک و نظر به حقیقت، نیاز به نمادی دارد قابل تصور و تجسم که به‌جز انسان‌هایی که عصمت آن‌ها محرز است نمی‌توانند نماد حقیقت انسانیت باشند وگرنه باز رنج و باز نیاز به انسانی که روشن کند انسان‌ها چگونه باشند، تا رنج‌ها در نسبت با حقیقت، زندگی‌آفرین گردند، به همان معنای «تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آن‌هم برای پیامبری که فرمود: «مَا أَوْذَى نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أَوْذِيَتْ» هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد! و این یعنی حقیقت انسانیت در آخرین پیامبر خدا «صلوات الله علیه وآله» و ائمه هدی «علیهم السلام» و آن‌همه رنج و آن‌همه آرامش.

**معنای حضور در تاریخی که با امام حسین «علیه السلام» به میان آمد**

3- وقتی نحوه بودن در انقلاب اسلامی تقدیر ملت ما شده، پس آن تاریخ همچون روحی ما را فرا می‌گیرد و آن انقلاب و آن تاریخ، عالم ما می‌شود،

عالم برافراشته‌ای که افق تاریخی ما را معنا می‌کند. مسلماً هرکس از این عالم بیرون باشد، مزه حضور در تاریخی که با انقلاب اسلامی آغاز شده است را نمی‌چشد تا مزه زندگی در این دوران را بچشد، مانند عبدالله عباس و محمد حنفیه که مخالف حضرت امام حسین «علیه السلام» نبودند ولی متوجه تاریخی که با امام در حال آغاز است نشدند، ولی آن‌هایی که مانع این حوالت تاریخی بودند، مانند کوفیان ذیل دستورات عبیدالله؛ با این تقدیر به نزاع برمی‌خیزند. این نزاع، همیشه نزاع با تانک و توپ نیست، نزاعی است با مقاومت ما و بر عهده‌ی که نسبت به انقلاب اسلامی داریم و اتفاقاً در این مقابله اگر ما درست عمل کنیم همین نزاع موجب می‌شود تا انقلاب اسلامی به بلوغ خود برسد، مثل مقابله با نهضت اباعبدالله «علیه السلام»، ولی در هر حال مانع ساده‌ای نیست. کافی است ما از طریق صبر و شکیبایی راه خود را برویم و بر آن عهد پایدار بمانیم.

والسلام